

نقش میانجی خودکار آمدی و تاب‌آوری در رابطه با هوش معنوی و خودمهارگری

farhoush.mohammad@gmail.com
m.a.kerman@chmail.com
sghorbani687@gmail.com
v1364174@gmail.com

محمد فروش / دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه اخلاق و تربیت
محسن عسکری / دکترای مدرسی معارف، گرایش اخلاق، دانشگاه معارف اسلامی
سکینه قربانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه کاشان
عبدالوحید داوودی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه لرستان
دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و تاب‌آوری در رابطه با هوش معنوی و خودمهارگری بود. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان شهر قم بود. بدین منظور، ۱۷۴ نفر از دانشجویان (۷۰ پسر و ۱۰۴ دختر)، به روش خوشه‌ای تصادفی یک مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های خودمهارگری، هوش معنوی، خودکارآمدی، و تاب‌آوری را تکمیل کردند. در تحلیل داده‌ها، از روش‌های همبستگی، و تحلیل مسیر بر اساس مدل بارون و کنی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که خودمهارگری، با هوش معنوی (۰/۵۹۹)، خودکارآمدی (۰/۶۴۳) و تاب‌آوری (۰/۵۲۸) رابطه معنادار ($P < 0/001$) دارد و خودکارآمدی و تاب‌آوری، هر یک به‌تنهایی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را واسطه‌گری جزئی می‌کنند. هنگامی که تاب‌آوری و خودکارآمدی، به‌طور همزمان در مدل تحلیل مسیر وارد شدند، تنها خودکارآمدی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را واسطه‌گری جزئی نمود.

کلیدواژه‌ها: خودمهارگری، هوش معنوی، میانجی‌گری خودکارآمدی و تاب‌آوری.

در آموزه‌های اسلامی، خودمهارگری جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. در آیات و روایات، بر مفاهیمی همچون تقوا، عقل و صبر تأکید شده‌اند که با خودمهارگری مرتبطند (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۶۷). در این میان، تقوا به معنای خودمهارگری در جهت رضای خداست و قوی‌ترین ارتباط را با خودمهارگری دارد. در بسیاری از آیات، به تقوا توصیه شده است. تقوا و مشتقات آن ۲۵۸ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. کسانی که تقوا و خودمهارگری بیشتری دارند، نزد خدا ارزشمندترند (حجرات: ۱۳). تقوا و خودمهارگری در جهت رضای خدا، موجب نزول برکات و نعمت‌ها و پاداش‌های الهی فراوان در دنیا و آخرت می‌شود (اعراف: ۹۶؛ طلاق: ۳؛ بقره: ۱۰۳). برخی علمای اخلاق، تقوا را مهم‌ترین راهبرد رشد و تحول اخلاقی دانسته‌اند (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۹). علاوه بر اسلام، در تمامی ادیان توحیدی، به اهمیت خودمهارگری نیز توجه شده است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۶۲).

پژوهش‌های بسیاری، به چگونگی سازه خودمهارگری و آثار آن پرداخته‌اند (رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳؛ وهز و بامیستر (Vohs & Baumeister)، ۲۰۱۷). خودمهارگری موجب ابراز متناسب نیازها و احساسات می‌شود و با موفقیت در زندگی و سلامت روانی رابطه مثبت دارد (محمدی مصیری و همکاران، ۱۳۹۱). خودمهارگری، موجب پیشگیری از رفتارهای پرخطر، جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی می‌شود (نوفزیگر و روزن (Nofziger & Rosen)، ۲۰۱۷، ص ۱۱۵). در مقابل، خودمهارگری ناکافی، با مشکلات رفتاری و مهار تکانه، از جمله پرخوری، مصرف مواد مخدر و الکل و تکانه‌های جنسی مرتبط است (وهز و بامیستر، ۲۰۱۷، ص ۶۵). از این رو، بسیاری از مشکلات حوزه سلامت، با خودمهارگری مرتبط است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۲۳).

تانجنی (Tangney) و همکاران (۲۰۰۴)، خودمهارگری را توانایی بی‌اعتنایی، یا تغییر دادن برخی خواسته‌های درونی و متوقف کردن تمایلات رفتاری نامطلوب می‌داند. همچنین، خودمهارگری را توانایی غلبه بر واکنش‌های شدید، انتخاب اهداف بلندمدت، توانایی پایداری در برابر وسوسه‌ها، توانایی تأخیر، یا تعالی ارضا تعریف کرده‌اند (وهز و بامیستر، ۲۰۱۷، ص ۷۸). برخی پژوهشگران، واژه‌های «خودمهارگری» و «خودنظم‌بخشی»، را به یک معنا دانسته‌اند (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۴۹). با مرور ادبیات پژوهش، می‌توان «خودنظم‌بخشی» را توانایی مدیریت رفتار، در جهت مطلوب دانست که اعم از خودمهارگری است و شامل تلاش و پشتکار در جهت هدف مطلوب نیز می‌شود (استرامن، ۲۰۱۷؛ وهز و بامیستر، ۲۰۱۷). همچنین، می‌توان «خودمهارگری» را «توانایی اجتناب از رفتار نامطلوب» تعریف کرد. رفتار نامطلوب، رفتار غیرخردمندانه است که فرد به دلیل آسیب‌های آن، یا به دلیل هدف بزرگ‌تر، از آن اجتناب می‌کند؛ مانند پرخاشگری یا تماشای فیلم در شب امتحان (دیرایدر (de Ridder) و همکاران، ۲۰۱۳؛ وان لانگ (Van Lange) و همکاران، ۲۰۱۷).

به دلیل اهمیت خودمهارگری، پژوهش‌هایی در پی کشف عوامل و متغیرهای مرتبط با خودمهارگری بوده‌اند (ر.ک: بامیستر و همکاران، ۱۹۹۴؛ دریسوای و فقیهی، ۱۳۹۲). در این راستا، پژوهش‌هایی رابطه مثبت و معنادار دینداری و خودمهارگری را نشان داده‌اند (مک‌کولاخ و کارتر (McCullough & Carter)، ۲۰۱۳؛ زیل (Zell) و بامیستر، ۲۰۱۳، صدی دمیریچی و محمدی، ۱۳۹۵).

آموزه‌های دینی، خودمهارگری را تقویت می‌کنند (کول و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۱۸؛ تی و همکاران، ۲۰۱۷). بسیاری از آموزه‌های اسلامی، درباره هدف و معنای زندگی است (ر.ک: هود: ۷؛ ملک: ۲؛ مائده: ۴۸). باورهای دینی از طریق معنابخشی به موقعیت‌های زندگی، موجب تقویت خودمهارگری می‌شوند (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۴). امروزه توانایی معنابخشی به موقعیت‌های زندگی، تحت عنوان «هوش معنوی»، مفهوم‌سازی شده است. بنابراین، می‌توان گفت: یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی که دینداری موجب خودمهارگری می‌شود، از طریق هوش معنوی است. پژوهش‌هایی رابطه دینداری و هوش معنوی را نشان داده‌اند (ر.ک: منور و طریق (Munawar, K., & Tariq)، ۲۰۱۷). همچنین، هوش معنوی با خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار دارد (بشیر و بشیر، ۲۰۱۶؛ موسوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

اصطلاح «هوش معنوی» را برای اولین بار استیونز (۱۹۹۶) مطرح کرد و ایمونز و مارشال (۲۰۰۰)، آن را گسترش دادند. ایمونز و آصرام معتقدند: هوش معنوی مهارت‌ها و توانایی‌هایی است که از معنویت برای تطابق، سازگاری و کنش اثربخش استفاده می‌کند (ایمونز، ۲۰۰۰؛ آمرام، ۲۰۰۷). درحالی که معنویت، به زندگی هدف و معنا می‌دهد، هوش معنوی مهارت توجه به این هدف، در هر لحظه از زندگی است، به گونه‌ای که سازگاری و کنش‌وری فرد بیشتر شود. به عبارت دیگر، هوش معنوی، مهارت به‌کارگیری منابع معنوی در جهت افزایش سازگاری و بهزیستی روانی است (سهرابی و ناصری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶؛ دوی (Devi) و همکاران، ۲۰۱۷). هوش معنوی، فرد را توانمند می‌کند تا بتواند راهبردهای مؤثرتری برای تأخیر یا تعالی ارضا بیابد. در نتیجه، خودمهارگری بهتری داشته باشد (موسوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴). تعالی ارضا، به معنای رها کردن انگیزه پست و توجه به انگیزه عالی است. به‌عنوان نمونه، فرد لذت غذا خوردن را رها کند و از لذت اطعام کردن دیگران بهره‌مند شود. هوش معنوی، به موقعیت یک بعد معنوی می‌دهد و از این جهت، خودمهارگری را تسهیل می‌کند (کاشانی مطلق و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

کدام‌یک از مهارت‌های معنوی، نقش بیشتری در خودمهارگری دارند و باید در بسته‌های آموزشی هوش معنوی تأکید شوند؟ برای پاسخ به این پرسش، باید متغیرهای تعدیل‌کننده و میانجی، در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری بررسی شوند. بدین منظور، ادبیات پژوهشی بررسی شد؛ اگرچه پژوهشی درباره متغیرهای میانجی و یا تعدیل‌کننده در رابطه بین هوش معنوی و خودمهارگری یافت نشد، اما پژوهش‌هایی رابطه تاب‌آوری و

خودکارآمدی را با خودمهارگری نشان داده‌اند (کمپل، ۲۰۱۴؛ بارون و همکاران، ۲۰۱۶؛ گیورک و کالتابینو (George & Caltabiano)، ۲۰۱۳؛ آلوارد و همکاران، ۲۰۱۱). تاب‌آوری از طریق افزایش انعطاف‌پذیری، با توانایی اجتناب از رفتارهای نامطلوب رابطه دارد (کمپل، ۲۰۱۴) و خودکارآمدی با ایجاد باورهای خوداثربخش و انتظارات بالا در رسیدن به اهداف، موجب امید به آینده و افزایش خود نظم‌بخشی و خودمهارگری می‌شود (رفیعی هنر، ۱۳۹۵، ص ۹۴). پژوهش‌هایی رابطه هوش معنوی، با تاب‌آوری و خودکارآمدی را نشان داده‌اند (مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۵۲؛ خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۲).

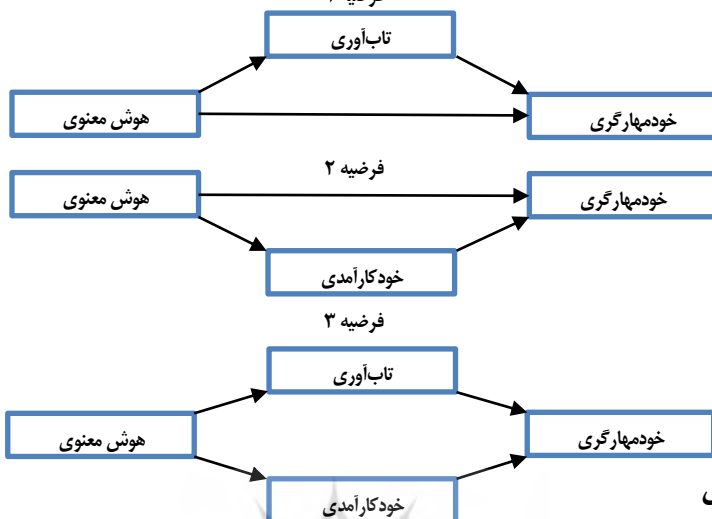
باندورا (۱۹۹۷)، خودکارآمدی را درک و قضاوت فرد درباره توانمندی‌هایش تعریف کرد. به نظر او، باور انسان درباره توانایی‌هایش در چگونگی عملکرد او مؤثر است. تاب‌آوری، به معنای مهارت‌ها و توانمندی‌هایی است که فرد را قادر می‌کند با سختی‌ها، مشکلات و چالش‌ها سازگار شود. تاب‌آوری، توانایی سازگاری موفقیت‌آمیز با عوامل فشارزاست (لیون (Leone) و همکاران، ۲۰۱۶).

خودکارآمدی و تاب‌آوری، عوامل روان‌شناختی و معنوی متعددی دارد. برخی از جنبه‌های آنها، اکتسابی و برخی ذاتی است. پژوهش‌هایی عوامل روان‌شناختی و معنوی خودکارآمدی را نشان داده‌اند. به عنوان نمونه، پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که والدین با ایجاد دلبستگی ایمن و سبک فرزندپروری مقتدرانه، موجب ایجاد و تقویت خودکارآمدی و تاب‌آوری می‌شوند (شو (Shaw)، ۲۰۰۸؛ احمدی طهورسلطانی و همکاران، ۱۳۹۲). در این راستا پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که نگرش مذهبی، هوش معنوی و توکل به خدا، خودکارآمدی و تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴؛ مؤمنی، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد، خودکارآمدی با افزایش احساس توانمندی، در مواجهه با سختی‌ها و تاب‌آوری، با افزایش انعطاف‌پذیری در سختی‌ها موجب افزایش خودمهارگری شوند.

بنابراین، این پژوهش به دنبال بررسی میانجیگری خودکارآمدی و تاب‌آوری، در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری است. به نظر می‌رسد، هریک از متغیرهای خودکارآمدی و تاب‌آوری، بخشی از اثر هوش معنوی را به خودمهارگری منتقل می‌کنند و هنگامی که به‌طور همزمان در یک مدل وارد می‌شوند، تمامی اثر هوش معنوی را به خودمهارگری منتقل می‌کنند. همان‌طور که مدل مفهومی این مسئله، در نمودار ۱ نشان داده شده است، این پژوهش سه فرضیه دارد:

۱. به نظر می‌رسد، تاب‌آوری رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجیگری جزئی می‌کند.
۲. به نظر می‌رسد، خودکارآمدی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجیگری جزئی می‌کند.
۳. به نظر می‌رسد، تاب‌آوری و خودکارآمدی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجیگری کامل می‌کند.

نمودار ۱. مدل مفهومی فرضیه‌های پژوهش
فرضیه ۱



روش پژوهش

طرح این پژوهش، از نوع همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر است. هوش معنوی، متغیر برون‌زاد، خودکارآمدی و تاب‌آوری متغیرهای واسطه و خودمهارگری، متغیر درون‌زاد است.

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان غیرطبله شهر قم که در سال تحصیلی، ۱۳۹۵-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند. هومن، در تحلیل مسیر تعداد ۱۵ نمونه به ازای هر متغیر را کافی می‌داند (هومن، ۱۳۹۳، ص ۲۲). بدین منظور، ۱۷۴ نفر از دانشجویان (۷۰ پسر و ۱۰۴ دختر)، به روش خوشه‌ای تصادفی دو مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های خودمهارگری (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴)، هوش معنوی (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۸) و خودکارآمدی (شرر و همکاران، ۱۹۸۲) و تاب‌آوری (کونور و دیویدسون، ۲۰۰۳) را تکمیل کردند.

ابزار پژوهش

فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری - BSCS: این مقیاس در سال ۲۰۰۴، توسط تانجی و همکاران تهیه شده است. فرم کوتاه آن، شامل ۱۳ ماده است که در طیف لیکرت پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. در این پرسش‌نامه، سوالات شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲، ۱۳، به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. سازندگان، پرسش‌نامه را روی دو گروه از دانشجویان دوره کارشناسی اجرا کردند و اعتبار آن را با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و ۰/۸۳ گزارش کردند (تانجی و همکاران، ۲۰۰۴). بررسی‌های مالونی و همکاران (۲۰۱۲)، نشان داد که از زمان ساخت مقیاس خودمهارگری، توسط تانجی و همکاران در سال ۲۰۰۴، اکثر تحقیقات حوزه خودکنترلی، با استفاده از فرم کوتاه مقیاس تانجی انجام شده است. اعتبار نسخه فارسی این مقیاس، از روش آلفای کرونباخ ۰/۸ گزارش شده است. همچنین، روایی سازه آن را از طریق تحلیل عاملی نشان دادند (سرافراز و همکاران، ۱۳۹۱).

پرسش‌نامه خودکارآمدی عمومی (GSE-17): این مقیاس، توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲)، با هدف تعیین سطوح مختلف خودکارآمدی عمومی افراد ساخته شد. سؤالات این پرسش‌نامه، بر محورهای گرایش به آغازگری رفتار، تمایل به ادامه کوشش، پافشاری در تکلیف، در صورت ناکامی تدوین شده است. پرسش‌نامه، شامل ۱۷ گویه است و بر مبنای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. سؤالات شماره ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس، دارای حداکثر نمره ۸۵ و حداقل نمره ۱۷ است. نمره بالاتر، نشان‌دهنده خودکارآمدی بیشتر است، به طوری که نمره ۵۲ تا ۸۵ خودکارآمدی قوی و نمره ۳۴ تا ۵۲، خودکارآمدی متوسط و نمره ۱۷ تا ۳۴، خودکارآمدی ضعیف است. سازندگان از طریق روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی آن را ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. همچنین، این مقیاس روایی سازه و روایی ملاک مناسبی دارد (شرر و همکاران، ۱۹۸۲). غلامعلی لواسانی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۶ به‌دست آوردند.

پرسش‌نامه هوش معنوی: این پرسش‌نامه، ۹۷ گویه‌ای را سهرابی و ناصری برای سنخش هوش معنوی ساختند. آزمودنی‌ها در یک مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای به آن پاسخ می‌دهند. سؤالات ۷، ۱۰، ۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۶۰، ۶۸، ۷۱، ۷۵، ۸۳، ۹۲، برعکس نمره‌گذاری می‌شوند. پرسش‌نامه هوش معنوی، حاوی چهار مؤلفه خودآگاهی متعالی (۵۵)، تجارب معنوی (۱۹)، شکیبایی (۱۶) و بخشش (۷) می‌باشد. سهرابی و ناصری (۱۳۸۸)، به روش تحلیل عاملی، روایی سازه آن را مطلوب و با روش آلفای کرونباخ، پایایی آن را (۰/۹۶) گزارش کرده است.

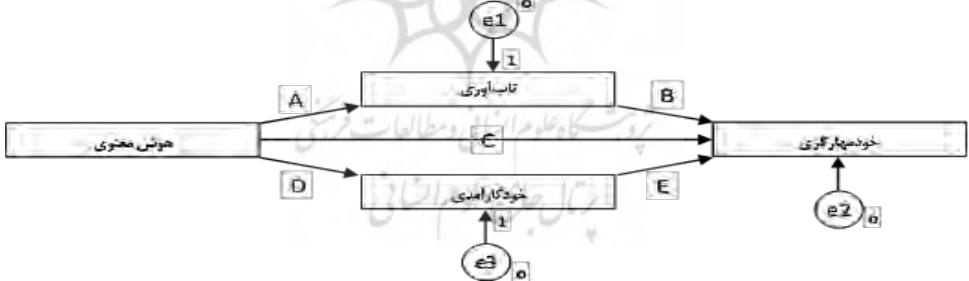
مقیاس تاب‌آوری: کونور و دیویلسون (۲۰۰۳): این پرسش‌نامه را تدوین کردند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، در شش گروه، جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران استرس پس از سانحه انجام شده است. سازندگان معتقدند: این پرسش‌نامه به خوبی قادر به تفکیک افراد تاب‌آور از غیرتاب‌آور، در گروه‌های بالینی و غیربالینی بوده، می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد. این پرسش‌نامه، ۲۵ عبارت دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا چهار (همیشه درست) نمره‌گذاری و نمره کل آزمون، بین ۰ تا ۱۰۰ قرار دارد. نمرات بالاتر، بیانگر تاب‌آوری بیشتر آزمودنی است. نتایج تحلیل عاملی، حاکی از این است که این آزمون، دارای ۵ عامل تصور از شایستگی فردی، اعتماد به غریز فردی تحمل عاطفه منفی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل، و تأثیرات معنوی است. کونور و دیویلسون، ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹ و ضریب پایایی، حاصل از روش بازآزمایی در فاصله ۴ هفته‌ای را ۰/۸۷ گزارش کرده است. این مقیاس در ایران، توسط محمدی هنجاریابی شده است. او ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ را گزارش کرده است. نمرات این مقیاس، با نمرات مقیاس سرسختی کوباسا همبستگی مثبت معنادار و با نمرات مقیاس استرس ادراک شده و مقیاس آسیب‌پذیری، نسبت به استرس شیهان همبستگی منفی معناداری داشتند. این نتایج، حاکی از اعتبار همزمان این مقیاس است. روایی این مقیاس، به روش‌های تحلیل عوامل و همسانی درونی، در گروه‌های مختلف عادی و آسیب‌پذیر احراز گردید (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

در تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی و تحلیل مسیر، بر اساس مدل بارون و کنی (۱۹۸۶) و نرم‌افزار SPSS24 و Amos24 استفاده شد.

برای بررسی میانجیگری از مدل بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد. اگر اثر هوش معنوی، از طریق خودکارآمدی و تاب‌آوری به خودمهارگری منتقل شود، آنگاه آنها متغیر میانجی محسوب می‌شوند. پیش‌فرض آماری این مدل، توزیع نرمال متغیرهای میانجی و متغیر وابسته اصلی است، از آنجاکه کجی و کشیدگی تمامی متغیرهای پژوهش، بین $0/4$ و $-0/4$ بود، این پیش‌فرض رعایت شد.

برای بررسی میانجی‌گری، بر اساس مدل بارون و کنی (۱۹۸۶)، به سه مرحله نیاز است و باید در هر سه مرحله، وزن‌های رگرسیونی معنادار باشند. مدل تحلیل مسیر، باید برای هر یک از فرضیه‌های سه‌گانه تکرار شود. مدل تحلیل مسیر، برای فرضیه سوم این مراحل را دارد: ۱. پیش‌بینی متغیر وابسته اصلی (خودمهارگری)، بر اساس متغیر مستقل اصلی (هوش معنوی) (مسیر مستقیم)؛ ۲. پیش‌بینی هر یک از متغیر میانجی خودکارآمدی و تاب‌آوری، بر اساس متغیر مستقل اصلی (هوش معنوی) (مسیر غیرمستقیم ۱ و ۲)؛ ۳. پیش‌بینی متغیر وابسته اصلی (خودمهارگری)، بر اساس متغیرهای مستقل اصلی (هوش معنوی) و میانجی به‌طور همزمان (مدل میانجی). در مرحله سوم، اگر مسیر مستقیم متغیر مستقل (هوش معنوی)، به متغیر وابسته (خودمهارگری) همچنان معنادار باشد؛ یعنی متغیر مستقل به‌طور همزمان از هر دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد و میانجی‌گری جزئی است. اما اگر با حضور متغیر میانجی در مدل، مسیر مستقیم معنادار نبود، به این معناست که مسیر غیرمستقیم تمام تأثیر مسیر مستقیم را به خود جذب کرده و متغیر میانجی به‌طور کامل، میانجی‌گری می‌کند (عزیزی، ۱۳۹۲). مدل مفهومی تحلیل مسیر، در نمودار ۱ ارائه شده است. تحلیل مسیر، با استفاده از نرم‌افزار Amos24 انجام شد.

نمودار ۱. مدل مفهومی میانجی‌گری خودکارآمدی و تاب‌آوری در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری



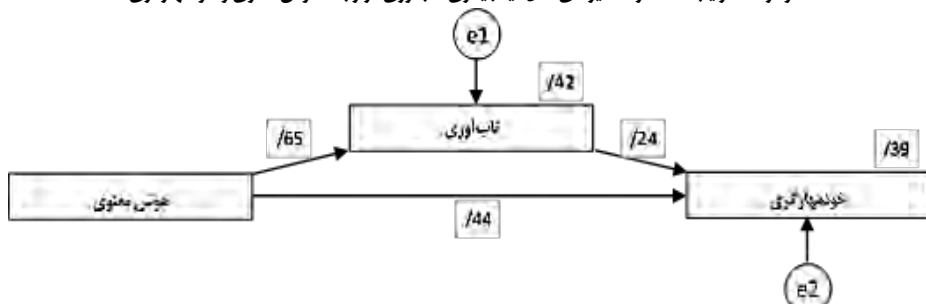
فرضیه اول: تاب‌آوری رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجی‌گری جزئی می‌کند. نتایج مراحل سه‌گانه تحلیل مسیر برای فرضیه اول، در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجی‌گری تاب‌آوری ($P < 0/001$)

مرحله اول			مرحله دوم			مرحله سوم		
مدل اثر مستقیم			مدل اثر غیرمستقیم			مدل میانجی‌گری		
مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری
A	۰/۰۰۰	---	A	۰/۶۵۰	***	A	۰/۶۵۰	***
B	۰/۰۰۰	---	B	۰/۵۲۸	***	B	۰/۲۴۰	***
C	۰/۵۹۳	***	C	۰/۰۰۰	---	C	۰/۴۴۳	***

مسیر A: مسیر هوش معنوی به تاب‌آوری؛ مسیر B: مسیر تاب‌آوری به خودمهارگری؛ مسیر C: مسیر هوش معنوی به خودمهارگری

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، تاب‌آوری رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجیگری جزیی می‌کند (۰/۱۵۶ = ۰/۶۵ * ۰/۲۴). نمودار ۲ ضرایب مسیر را نشان داده است. نمودار ۲. ضرایب استاندارد مسیرهای مدل میانجیگری تاب‌آوری در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری



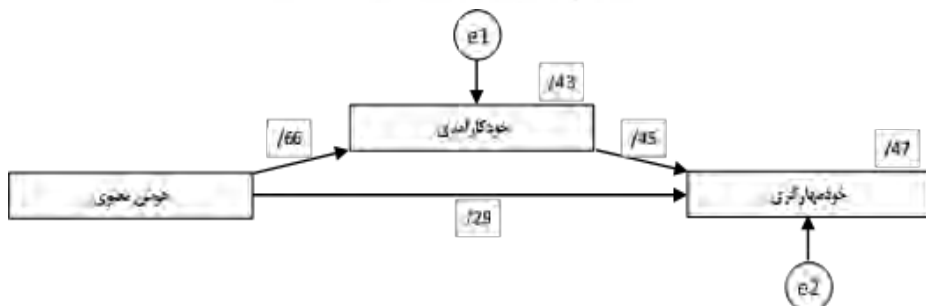
فرضیه دوم: خودکارآمدی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجیگری جزیی می‌کند. نتایج مراحل سه‌گانه تحلیل مسیر برای فرضیه سوم، در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجیگری خودکارآمدی (P < ۰/۰۰۱)

(مرحله اول)			(مرحله دوم)			(مرحله سوم)		
مدل اثر مستقیم			مدل اثر غیرمستقیم			مدل میانجیگری		
مسیر	ضریب	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب	معناداری
C	۰/۵۹۳	***	C	۰/۰۰۰	----	C	۰/۲۹۴	***
D	۰/۰۰۰	----	D	۰/۶۵۹	***	D	۰/۶۵۹	***
E	۰/۰۰۰	----	E	۰/۶۴۸	***	E	۰/۴۵۴	***

مسیر C: مسیر هوش معنوی به خودمهارگری؛ مسیر D: مسیر هوش معنوی به خودکارآمدی؛ مسیر E: مسیر خودکارآمدی به خودمهارگری

همان‌طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، خودکارآمدی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجیگری جزیی می‌کند (۰/۳۹۹ = ۰/۴۵۴ * ۰/۶۵۹). نمودار ۳ ضرایب مسیر را نشان داده است. نمودار ۳. ضرایب استاندارد مسیرهای مدل میانجیگری تاب‌آوری در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری



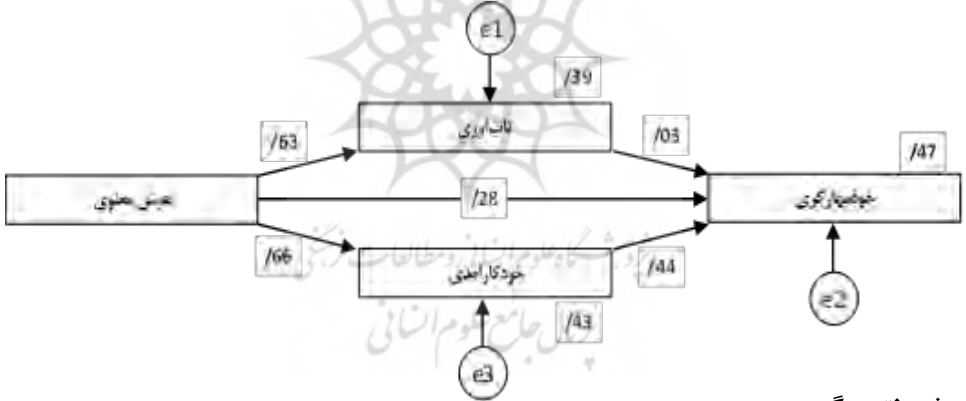
فرضیه سوم: تاب‌آوری و خودکارآمدی، رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را میانجیگری کامل می‌کند. نتایج مراحل سه‌گانه تحلیل مسیر این فرضیه، در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجیگری تاب‌آوری و خودکارآمدی بطور همزمان ($P < 0/001$)

مرحله اول)			مرحله دوم)			مرحله سوم)		
مدل اثر مستقیم			مدل اثر غیرمستقیم ۲			مدل اثر غیرمستقیم ۱		
مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری
A	۰/۰۰۰	***	A	۰/۰۰۰	***	A	۰/۶۲۵	***
B	۰/۰۰۰	***	B	۰/۰۰۰	***	B	۰/۴۸۹	***
C	۰/۵۹۳	***	C	۰/۰۰۰	***	C	۰/۰۰۰	***
D	۰/۰۰۰	***	D	۰/۶۵۹	***	D	۰/۰۰۰	***
E	۰/۰۰۰	***	E	۰/۶۴۸	***	E	۰/۰۰۰	***

مسیر A: مسیر هوش معنوی به تاب‌آوری؛ مسیر B: مسیر تاب‌آوری به خودمهارگری؛ مسیر C: مسیر هوش معنوی به خودمهارگری؛ مسیر D: مسیر هوش معنوی به خودکارآمدی؛ مسیر E: مسیر خودکارآمدی به خودمهارگری

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، هنگامی که تاب‌آوری و خودکارآمدی، به‌طور همزمان در تحلیل مسیر وارد شوند، تنها خودکارآمدی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را واسطه‌گری جزئی می‌کند. در حقیقت، خودکارآمدی اثر تاب‌آوری را جذب کرده است. ضرایب مسیر در مدل میانجیگری همزمان تاب‌آوری و خودکارآمدی در نمودار ۴ ارائه شده است. شاخص‌های برازش، مدل در تمامی مراحل و فرضیه‌ها قابل قبول بودند ($CFI > 0/۹۴۶$). نمودار ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای مدل میانجیگری همزمان تاب‌آوری و خودکارآمدی، در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری



بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش معنوی، با خودمهارگری ($0/۵۹۹$)، خودکارآمدی ($0/۶۷۴$) و تاب‌آوری ($-0/۶۵۰$) رابطه معنادار ($P < 0/001$) دارد و خودکارآمدی و تاب‌آوری، هر یک به‌تنهایی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را واسطه‌گری جزئی می‌کنند. هنگامی که تاب‌آوری و خودکارآمدی، به‌طور همزمان در مدل تحلیل مسیر وارد شدند، تنها خودکارآمدی رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را واسطه‌گری جزئی نمود. بنابراین، فرضیه اول و دوم تأیید و فرضیه سوم رد شد. اگرچه هر یک از دو سازه خودکارآمدی و تاب‌آوری، رابطه هوش معنوی و خودمهارگری را واسطه‌گری می‌کنند، اما خودکارآمدی نقش اساسی در انتقال تأثیر هوش معنوی، به خودمهارگری ایفا می‌کند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود برای افزایش خودمهارگری دانشجویان، بسته‌های آموزشی هوش معنوی، با تأکید بر افزایش خودکارآمدی تدوین شود.

نتایج این پژوهش، با پژوهش‌هایی که بین هوش معنوی و خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار گزارش کرده‌اند، همسوست (بشیر و بشیر، ۲۰۱۶؛ موسوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین، نتایج این پژوهش، با پژوهش‌هایی که بین دینداری و خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار گزارش کرده‌اند، همسوست (رفیعی هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹). همچنین، نتایج این پژوهش با پژوهش‌هایی که رابطه مثبت و معنادار هوش معنوی و خودکارآمدی عمومی، یا خودکارآمدی تحصیلی را نشان داده‌اند، همسوست (مؤمنی، ۱۳۹۲؛ مشایخی دولت‌آبادی و محمدی، ۱۳۹۳؛ نوری‌ثمرین، ۱۳۹۵). همچنین، نتایج این پژوهش با پژوهش‌هایی که رابطه مثبت هوش معنوی و تاب‌آوری را نشان داده‌اند، همسوست (خسروی و نیک‌منش ۲۰۱۴؛ نیک‌آمال و شادمان‌فر، ۱۳۹۳؛ خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۲).

اگرچه بسیاری از آموزه‌های دینی، با خودمهارگری مرتبط است (رفیعی هنر، ۱۳۹۵، ص ۶۶)، اما برخی دینداران در خودمهارگری در بعد معنوی و سایر ابعاد زندگی موفق‌ترند (مک‌کولاخ و ویلافی، ۲۰۰۹). از این‌رو، به نظر می‌رسد خودمهارگری موفق، نیاز به مهارت‌هایی دارد. هوش معنوی، مهارت به کارگیری منابع معنوی در جهت سازگاری بهتر است (سهرابی و ناصری، ۱۳۹۲، ص ۹۴). فردی که از هوش معنوی بالایی برخوردار است، در مواجهه با موقعیت‌هایی که نیاز به خودمهارگری دارد، بعد معنوی به آن می‌دهد. در نتیجه، انگیزه بیشتری برای خودمهارگری دارد.

در تبیین یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت: هوش معنوی با افزایش احساس توانمندی (خودکارآمدی) و انعطاف‌پذیری (تاب‌آوری)، توانایی اجتناب از رفتار نامطلوب (خودمهارگری) را افزایش می‌دهد. البته خودکارآمدی، نقش بیشتری در انتقال تأثیر هوش معنوی، به خودمهارگری دارد. بنابراین، آن دسته از نگرش‌ها و باورهای معنوی، که موجب احساس توانمندی و شایستگی می‌شوند، تأثیر بیشتری در خودمهارگری دارند. نگرش‌ها و باورهای معنوی، همچون اعتقاد به یاری خدا، توکل به خدا و مناجات با او، موجب احساس توانمندی و شایستگی در قلمروهای مختلف از جمله قلمرو خودمهارگری می‌شوند. فرد در مواجهه با رفتار نامطلوب، احساس توانمندی نموده و تلاش بیشتری برای خودمهارگری می‌کند.

از محدودیت‌های این پژوهش، محدودیت جامعه آماری آن (دانشجویان شهر قم) بود. همچنین، از محدودیت‌های این پژوهش، عدم سنجش متغیر دینداری و کنترل آن بود.

از آنجا که واسطه‌گری خودکارآمدی و تاب‌آوری، کامل نیست، متغیرهای دیگری در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری وجود دارند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، به بررسی متغیرهای تعدیل‌کننده و میانجی دیگری در رابطه هوش معنوی و خودمهارگری، که تبیین نظری یا ادبیات پژوهشی از آن حمایت می‌کند، پرداخته شود. مانند: ویژگی‌های شخصیتی موافق بودن و باوجدان بودن (جنسون کمپیل و همکاران، ۲۰۰۲). همچنین، لازم است مقیاس‌هایی برای سنجش خودمهارگری معنوی، خودکارآمدی معنوی و تاب‌آوری معنوی، با رویکرد اسلامی ساخته شود. همچنین، باید فرضیه‌های این پژوهش در سایر جامعه‌های آماری بررسی شود. البته مناسب است در پژوهش‌های آینده، متغیر دینداری سنجیده شود و در بررسی فرضیه‌ها تأثیر آن کنترل شود.

منابع

- احمدی‌طهورسلطانی، محسن و همکاران، ۱۳۹۲، «روابط ساختاری بین امیدواری با سبک‌های دلبستگی، ارزشمندی زندگی، حمایت اجتماعی، خودکارآمدی و جهت‌گیری هدف تسلطی در دانشجویان»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ش ۱۳، ص ۱-۱۰.
- خدابخشی کولایی، آنهیتا و همکاران، ۱۳۹۲، «ارتباط هوش معنوی با تاب‌آوری در برابر استرس و ترجیح روش زایمان در بین زنان باردار»، *زنان مامایی و نازایی ایران*، ش ۵۸، ص ۸-۱۵.
- خسروشاهی، قدرت‌الله و همکاران، ۱۳۹۴، «معنابخشی به زندگی و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در پیشگیری از جرم از منظر قرآن کریم»، *آموزه‌های قرآنی*، ش ۲۱، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- دریساوی، سمیه و علی‌نقی فقیهی، ۱۳۹۲، «بررسی عوامل ضعف خودکنترلی از منظر قرآن کریم»، *معرفت اخلاقی*، ش ۱۳، ص ۷۵-۹۲.
- رفیعی‌هنر، حمید، ۱۳۹۵، *روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رفیعی‌هنر، حمید، و مسعود جان‌بزرگی، ۱۳۸۹، «رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۹، ص ۳۱-۴۲.
- رفیعی‌هنر، حمید و همکاران، ۱۳۹۳، «تبیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲۷، ص ۵-۲۶.
- سرافراز، مهدی‌رضا و همکاران، ۱۳۹۱، «خودمهارگری: ظرفیتی واحد یا دو وجهی؟ تمایز بین وجوه بازدارندگی و برانگیزندگی در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ش ۱۲، ص ۶۹-۷۵.
- سهرابی، فرامرز و اسماعیل ناصری، ۱۳۸۸، «بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ش ۱۲، ص ۷۰-۷۶.
- ، ۱۳۹۲، *هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن*، تهران، آوای نور.
- صدری‌دمیرچی، اسماعیل و نسیم محمدی، ۱۳۹۵، «مقایسه سازگاری اجتماعی، خودنظم‌دهی و باورهای دینی زنان معتاد و عادی شهر ارومیه»، *پژوهش در دین و سلامت*، ش ۱، ص ۵۶-۶۳.
- عالم‌زاده‌نوری، محمد، ۱۳۸۹، «راهبرد تربیت اخلاقی: (استراتژی تحول اخلاقی و معنوی)»، *معرفت اخلاقی*، ش ۲، ص ۶۵-۹۴.
- عباسی، معصومه و همکاران، ۱۳۹۴، «رابطه نگرش مذهبی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان به واسطه نقش خودکارآمدی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ش ۱۷، ص ۵۵۹-۵۷۲.
- عزیزی، شهریار، ۱۳۹۲، «متغیرهای میانجی، تعدیل‌گر و مداخله‌گر در پژوهش‌های بازاریابی: مفهوم، تفاوت‌ها، آزمون‌ها و رویه‌های آماری»، *تحقیقات بازاریابی نوین*، ش ۹، ص ۱۵۵-۱۷۴.
- غلامعلی‌لوسانی، مسعود و همکاران، ۱۳۹۳، «اثر آموزش شادکامی به شیوه شناختی رفتاری بر باورهای خودکارآمدی و استرس تحصیلی»، *راهبردهای شناختی در یادگیری*، ش ۳، ص ۱-۱۸.
- کاشانی مطلق، موژان، ۱۳۹۳، *بررسی رابطه میان هوش معنوی و خودکنترلی دانشجویان پیام‌نور واحد بهشهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- محمدی، مسعود، ۱۳۸۴، *عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء‌مصرف مواد*، رساله دکتری تخصصی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- محمدی مصیری، فرهاد و همکاران، ۱۳۹۱، «نقش خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و محیط مدرسه در سلامت روانی و رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایران*، ش ۳۲، ص ۳۷۹-۴۰۴.

- مشایخی دولت‌آبادی، محمدرضا و مسعود محمدی، ۱۳۹۳، «تاب‌آوری و هوش معنوی به منزله متغیرهای پیش‌بین خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان شهری و روستایی»، *روان‌شناسی مدرسه*، ش ۲، ص ۲۰۵-۲۲۵.
- موسوی مقدم، سیدرحمت‌اله و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی رابطه هوش معنوی با خودکنترلی و مکانیسم‌های دفاعی در دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه»، *علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*، ش ۷۹، ص ۵۹-۶۴.
- مؤمنی، فاطمه، ۱۳۹۲، *بررسی رابطه هوش معنوی و سبک‌های شناختی با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بابک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوری‌نمیرین، شهرام، ۱۳۹۵، «رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۹، ص ۱۰۷-۱۲۲.
- نیک‌آمال، میترا و نسربین شادمان‌فر، ۱۳۹۳، «ارتباط هوش معنوی با تاب‌آوری روان‌شناختی در دانشجویان»، *تحقیقات روان‌شناختی*، ش ۲۲، ص ۱-۱۴.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۹۳، *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*، تهران، سمت.
- Alvord MK, ET AL, 2011, **Resilience Builder Program for children and adolescents: Enhancing social competence and self-regulation- A cognitive-behavioral group approach**, Research Press.
- Amram, J, 2007, **The seven Dimension of spiritual intelligence: An ecumenical, grounded theory**, San Francisco: Institute of transpersonal psychology, American Psychological Association.
- Bandura, A, 1997, **Self-efficacy: The exercise of control**, USA, W. H, Freeman.
- Baron, R. M, & Kenny, D. A, 1986, "The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations", **Journal of Personality and Social Psychology**, n. 51, p. 1173-1182.
- Baron RA, et al, 2016, "Self-efficacy and entrepreneurs' adoption of unattainable goals: The restraining effects of self-control", **Journal of Business Venturing**, v. 31, n. 1, p. 55-71.
- Bashir H, & Bashir L, 2016, "Investigating the relationship between self-regulation and spiritual intelligence of higher secondary school students", **Indian Journal of Health and Wellbeing**, v. 7, n. 3, p. 327.
- Baumeister, R. F, et al, 1994, **Losing control: How and why people fail at self-regulation**, Academic press.
- Campbell K. N, 2014, **Resilience and Self-Control among Georgia Southern Students: A Comparative Study between ROTC Students and NonROTC Students**, University Honors Program Theses.
- Connor, K. M, & Davidson, J. R. T, 2003, "Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)", **Depression And Anxiety**, v. 18, n. 2, p. 76-82. DOI: 10.1002/da.10113
- de Ridder, D. T, et al, 2012, "Taking stock of self-control: A meta-analysis of how trait self-control relates to a wide range of behaviors", **Personality and Social Psychology Review**, v. 16, n. 1, p. 76-99.
- Devi, R. K, et al, 2017, "Study of spiritual intelligence and adjustment among arts and science college students", **Journal of religion and health**, v. 56, n. 3, p. 828-838.
- Emmons, R. A, 2000, "Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern", **The International Journal for the psychology of Religion**, v. 10, n. 1, p. 3-26.
- George M, Caltabiano M, 2013, "Resilience as a mediator of self-control demands on wellbeing

- and job satisfaction in client focused work roles”, In: *Abstracts from the Inaugural Australian Psychological Society Health Psychology Conference*.
- Jensen-Campbell L. A, et al, 2002, “Agreeableness, conscientiousness, and effortful control processes”, *Journal of Research in Personality*, v. 36, n. 5, p. 476-489.
- Khosravi M, & Nikmanesh Z, 2014, “Relationship of Spiritual Intelligence With Resilience and Perceived Stress”, *Iran J Psychiatry Behav Sci*, v. 8, n. 4, p. 52-56.
- Koole SL, et al, 2016, *Religious rituals as tools for adaptive self-regulation*, Religion, Brain & Behavior.
- Leone, E, et al, 2016, “Defining Resilience in Families Living with Neurodevelopmental Disorder: A Preliminary Examination of Walsh’s Framework”, *Journal of Developmental and Physical Disabilities*, v. 28, n. 4, p. 595-608.
- Maloney PW, et al, 2012, “The multi-factor structure of the Brief Self-Control Scale: Discriminant validity of restraint and impulsivity”, *Journal of Research in Personality*, v. 46, n. 1, p. 111-115.
- McCullough ME, & Carter EC, 2013, “Religion, self-control, and self-regulation: How and why are they related”, *APA handbook of psychology, religion, and spirituality*.
- McCullough ME, & Willoughby BL, 2009, “Religion, self-regulation, and self-control: Associations, explanations, and implications”, *Psychological bulletin*, v. 135, n. 1, p. 69.
- Munawar, K, & Tariq, O, 2017, “Exploring Relationship Between Spiritual Intelligence, Religiosity and Life Satisfaction Among Elderly Pakistani Muslims”, *Journal of religion and health*, v. 58, n. 3, 1-15.
- Nofziger, S, & Rosen, N. L, 2017, *Building Self-control to Prevent Crime. In Preventing Crime and Violence*, Springer International Publishing.
- Shaw, N. E, 2008, *The relationships between perceived parenting style, academic self-efficacy and college adjustment of freshman engineering students*, University of North Texas.
- Sherer, M, et al, 1982, “The self-efficacy scale: construction and validation”, *Psychological Reports*, v. 51, n. 2, p. 663-671.
- Stevens B, 1996, “What about spiritual intelligence?”, *St Mark's Review*, 167, 19.
- Strauman, T. J, 2017, “Self-Regulation and Psychopathology: Toward an Integrative Translational Research Paradigm”, *Annual Review of Clinical Psychology*, n. 13, p. 497-523.
- Tangney JP, et al, 2004, “High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success”, *Journal of personality*, v. 72, n. 2, p. 271-324.
- Tey, S. E, et al, 2017, “Religiosity and Healthy Lifestyle Behaviours in Malaysian Muslims: The Mediating Role of Subjective Well-Being and Self-Regulation”, *Journal of Religion and Health*, v. 58, n. 6, 1-16.
- Vohs, K. D, & Baumeister, R. F, 2017, *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications*, Guilford Publications.
- Zell, A. L, & Baumeister, R. F, 2013, “How religion can support self-control and moral behavior”, *Handbook of the psychology of religion and spirituality*, New York, United States, Guilford Press.
- Zohar, D, & Marshal, I, 2000, *Spiritual intelligence: The ultimate intelligence*, New York, USA, Blooms Bury.